



و بنابراین از شما می‌خواهیم که در این مسیر به ما کمک کنید، به خصوص در مورد آموزش آنچه که در ده فرمان می‌گویید. پدر، به ما کمک کن تا آن را در قلب خود جای دهیم. و همه این چیزها را به نام مسیح، با شکرگزاری، آمین، می‌خواهیم.

خب، امروز قرار است درباره تورات صحبت کنیم. و بد نیست که به خودمان یادآوری کنیم مزمور ۱۱۹ چه می‌گوید. البته، شاید بدانید که مزمور ۱۱۹، مزموری بسیار بسیار طولانی درباره ارزش، زیبایی و اثربخشی آموزه‌های خداوند به ماست.

ما این را هنگام بحث در مورد مزامیر مورد بحث قرار خواهیم داد. اما این آیه در شروع بحث در مورد مفهوم تورات، بسیار زیبا است. در ادامه بیشتر در مورد گذارمان از روایت به تورات صحبت خواهیم کرد.

چشمانم را بگشا تا چیزهای شگفت‌انگیزی در تورات تو ببینم. چشمانم را بگشا تا چیزهای شگفت‌انگیزی در تورات تو ببینم. حال، قرار است تا یک دقیقه دیگر در مورد آنچه که ممکن است از نظر محتوای تورات شامل آن باشد صحبت کنیم، اما باشد که این دعای ما باشد و همچنین امروز و در واقع در چند روز آینده به بحث خود ادامه دهیم.

من گفتم، چون دفعه‌ی قبل نتوانستیم این کار را انجام دهیم، فقط یک تور تصویری کوتاه از مصر خواهیم داشت و مصر و دریای نی و همه چیز را مستقیماً به جایی که کوه سینای سنتی قرار دارد، ترک خواهیم کرد. یادتان هست دفعه‌ی قبل وقتی به نقشه نگاه کردیم، اشاره کردم که چندین پیشنهاد برای مکان کوه سینا وجود دارد. بنابراین، من فقط می‌خواهم یک جورهایی، خب، من با روش سنتی همراه می‌شوم، باشه؟ بفرمایید.

ما به دریای نی‌ها رسیده‌ایم و در حال حرکت به سمت جنوب غربی، در واقع، ضلع غربی شبه جزیره سینا هستیم که حال و هوای جنوبی هم دارد. و می‌توانید اینجا یک واحه کوچک ببینید. این واحه آتور است، اما در غیر این صورت، منطقه‌ای بسیار بایر است.

باز هم، این چالشی را که بنی‌اسرائیل از همان ابتدا در زمینه آب با آن روبرو بودند، در نظر داشته باشید. وقتی آنها آب پیدا کردند، در ابتدا آب تلخ بود. در اینجا، ما از آن منطقه در امتداد ساحل شبه جزیره سینا دور می‌شویم و کمی به سمت خشکی حرکت می‌کنیم و این نوارهای وسیع دره و منطقه وادی را دنبال می‌کنیم.

و در نهایت، در ادامه‌ی مسیر زائران، به سمت جایی که به طور سنتی کوه سینا نامیده می‌شود، حرکت می‌کنیم. و البته، بخش جالب ماجرا این است که هنگام طلوع آفتاب به آنجا برسیم. و این هم از این

صعود به کوه سینا آسان نیست. اینجا می‌توانید ببینید که مسیر بسیار ناهموار است. خورشید اکنون طلوع کرده است.

و همینطور یک کشیش ارتدکس یونانی که از کوه بالا می‌آید. من این عکس را به دلایل زیادی دوست دارم، اما مهم‌ترین دلیلش این است که اگر خیلی دقت کنید، این مرد ریش سفید بلندی دارد. بنابراین، او حدود ۷۰ یا ۸۰ سال سن دارد.

اینجا، او صبح هنگام از کوه سینا بالا می‌رود. و اگر روایت را با دقت بخوانید، این کاری است که موسی نیز انجام می‌دهد. خروج ۱۹ از نظر تعداد دفعاتی که موسی از کوه بالا و پایین می‌رود و بالا و پایین می‌رود، خیره‌کننده است.

چون خدا به او دستورالعمل می‌دهد، او می‌رود تا به بنی اسرائیل بگوید. سپس باید برگردد و پاسخ بنی اسرائیل را بیاورد. همانطور که از خواندن متن می‌دانیم، موسی در آن زمان ۸۰ سال داشت.

خب، دیدن این یه جورایی جالبه. همینطور که به پایین نگاه می‌کنیم، از شکاف اونجا یه قسمتی رو می‌بینید. و اون، البته، صومعه سنت کاترینه.

آن دسته از شما که با تاریخ هنر سروکار دارید، و امیدوارم تعدادی از شما مورخ هنر اینجا باشید، شاید بدانید که کلیسای سنت کاترین یا سانتا کاتارینا یکی از بهترین مجموعه‌های شمالی، شمالی‌های ارتدکس یونانی در جهان را دارد. یکی از دلایل آن این است که در قسمت جنوبی شبه جزیره سینا واقع شده است که بسیار دورافتاده است. بنابراین، وقتی جنبش‌های شمالی‌شکلی رواج داشت، شمالی‌شکلی به معنای از بین بردن شمالی‌ها بود زیرا فکر نمی‌کردید داشتن شمالی کار درستی باشد.

آنها سانتا کاتارینا را از دست دادند، چون خیلی دور از دسترس بود. و بنابراین، یک مجموعه فوق‌العاده از نمادها آنجا بود. این کتابخانه است، تمام این نوار باریک در اینجا.

همچنین چندین نسخه خطی فوق‌العاده در آن کتابخانه پیدا شده است. احتمالاً مشهورترین آنها نسخه خطی سینائیکوس است که داستان طولانی در مورد پیدا شدنش، محل فعلی آن و این واقعیت که راهبان می‌خواهند آن را پس بگیرند، وجود دارد.

نکته غم‌انگیز این است که دیگر نمی‌توانید به هیچ وجه وارد کتابخانه شوید. ما قبلاً حداقل می‌توانستیم به طبقه اول کتابخانه برویم، اما آن طبقه بسته است. با این وجود، هنوز هم می‌توانید از سانتا کاتارینا دیدن کنید، و این یک تجربه عالی برای کسانی است که امیدوارند در مقطعی به عنوان بخشی از مطالعات خاورمیانه خود، هر چه که باشد، به سینا بروند.

خب، این هم از این. حالا بیایید به برخی از نکات متن بپردازیم. همانطور که گفتم، خروج ۱۹ در واقع زمینه را برای ما فراهم می‌کند.

و نکته جالب این است که وقتی مکث می‌کنید و به ساختار کتاب خروج فکر می‌کنید، ما شاهد رهایی چشمگیر خدا بوده‌ایم، درست است؟ فصل‌های ۱، به خصوص تا ۱۵، و سپس سفر از دریا تا دامنه کوه سینا. خدا با آنها بوده و در هر قدم از مسیر، نیازهایشان را برآورده کرده است. و پس از آن، به خود تورات خواهیم رسید.

توجه کنید که اینجا چه می‌گوید، و من می‌خواهم از آیه ۴ از فصل ۱۹ شروع به خواندن کنم. شما خودتان دیدید که من با مصر چه کردم، چگونه شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم و نزد خود آوردم. حال، بسیار خوب، پس با در نظر گرفتن این موضوع، اکنون اگر کاملاً از من اطاعت کنید و عهد مرا که در راه است، نگه دارید، آنگاه از میان تمام ملت‌ها، شما گنجینه من خواهید بود، بسیار خوب، گنجینه من.

اگرچه تمام زمین از آن من است، شما برای من پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس خواهید بود. این وعده‌های قابل توجهی هستند: پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس. و همانطور که اینجا به شما اشاره کردم، پطرس در فصل ۲، هنگام صحبت در مورد ذات مبارک قوم خدا، به این موضوع اشاره خواهد کرد.

بنابراین، خدا در اینجا وعده‌های شگفت‌انگیزی می‌دهد و همچنین به آنها یادآوری می‌کند که از طرف آنها چه کارهایی برایشان انجام داده است. و بر این اساس، به عنوان حاکمی که آنها را نجات داده، رستگار کرده و رهایی بخشیده است، اکنون قرار است آن عهد حاکمیت، پیمان حاکمیت با آنها، پیمان حاکمیت را برقرار کند. در یکی

از این سفرها به موسی گفته می‌شود که از کوه پایین بیاید و سپس دوباره به بالا برگردد تا مردم را آماده کند و مرزهایی را در اطراف کوه تعیین کند.

قرار است آنها پاک باشند. قرار است پاک باشند. قرار است از روابط جنسی پرهیز کنند.

این به این معنی نیست که تمایلات جنسی و ابراز جنسی اشتباه است. اما وقتی لاویان فصل ۱۵، به ویژه فصل ۱۸ را می‌خوانید، می‌بینید که این کار کسی را نجس می‌کند. این موضوع گناه نیست، اما کسی را برای آن روز نجس می‌کند.

و بنابراین، آنها باید از این کار پرهیز کنند تا وقتی حضور خدا بر کوه نازل می‌شود، حالتی از پاکی وجود داشته باشد. همانطور که قبلاً اشاره کردم، ما موسی را به عنوان واسطه داریم، بالا و پایین و بالا و پایین، و این را تا پایان فصل ۲۰ خواهیم دید. و بعد، اجازه دهید کمی اینجا توضیح بدهم.

بیشتر مردم، وقتی کتاب می‌خوانند، و نه فقط دانش‌آموزان، بلکه بیشتر مردم وقتی عهد عتیق را می‌خوانند، با کتاب پیدایش اوقات خوشی را می‌گذرانند. وای، پر از داستان‌های عالی است. و ما با کتاب خروج تا فصل ۱۹ اوقات فوق‌العاده خوبی داریم، و اگر مراقب نباشیم، از فصل ۲۰ به بعد، چشمانمان کمی تاری می‌شود.

و وقتی به لاویان می‌رسیم، واقعاً مات و مبهوت می‌شوند. نگذارید این اتفاق برای شما بیفتد، باشه؟ نگذارید این اتفاق برای شما بیفتد. ما سعی می‌کنیم کمی از این مطالب را زنده کنیم، اما سعی کنید به این فکر کنید که همه این موارد بخشی از چیزی است که خدا به قوم عهدش نشان می‌دهد که برای خشنودی او باید انجام دهند.

در این مورد بعداً بیشتر خواهیم گفت. مطمئناً، همانطور که اینجا به شما اشاره کردم، روایتی که ما تازه از سر گذرانده‌ایم نشان می‌دهد که آنها چقدر به تورات، عهد و پیمان نیاز دارند. برخی از شما به من گفته‌اید که به نظر می‌رسد هر بار که در سفر پیدایش نگاه می‌کنید، کسی با کسی می‌خواهد که نباید با او می‌خواهید.

بله، درست است. وقتی سفر پیدایش را می‌خوانیم، می‌بینیم که داشتن تورات چقدر مهم است، زیرا در سفر پیدایش بارها و بارها اوضاع به هم می‌ریزد. و بنابراین می‌فهمیم که این چقدر ضروری است.

نکته دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، در آنچه تورات نامیده می‌شود، به طور کلی، ما اکنون در مورد تورات از نظر معنای دستورالعمل‌های آن صحبت خواهیم کرد. اما تورات موسی از پیدایش تا تثنیه را در بر می‌گیرد. و این تورات در واقع در فرهنگ گسترده‌تر خاور نزدیک باستان منحصر به فرد است، زیرا هم دستورالعمل‌ها و هم قوانین را همراه با روایت ترکیب می‌کند.

شما این را در بقیه‌ی این اسناد از فرهنگ گسترده‌تر نمی‌بینید. خیلی خب، تا اینجا که خوب بوده؟ سوالات؟ چطوریم؟ جمعه‌ی سردی است، نه؟ بیایید کمی ادامه دهیم. چند تعریف

اینها از یک طرف به نوعی شما را به یاد چیزهایی می‌اندازند که قبلاً در موردشان صحبت کرده‌ایم، و از طرف دیگر، به آنچه خون جوان می‌گوید پی می‌برند. بنابراین، اگر لازم است به عقب برگردید و خون جوان را مرور کنید، این کار را انجام دهید. اول از همه، پیمان

ما قبلاً اینجا بوده‌ایم، اما حالا می‌خواهیم در مورد عهد سینا صحبت کنیم. بنابراین، یک توافق بین دو طرف. اگر هنوز این تعریف را حفظ نکرده‌اید، حتماً باید این کار را انجام دهید.

توافق بین دو طرف، یک رابطه را برقرار می‌کند. این مهم است. این شامل تعهداتی برای هر دو طرف می‌شود.

و همانطور که قبلاً گفتیم، وظیفه خدا این است که به قولش عمل کند، درست است؟ وظایف ما در تورات یا عهد، ببخشید، تورات، بیان خواهد شد. و البته، تحریم‌هایی را نیز وضع می‌کند و بعداً در مورد تحریم‌ها بیشتر خواهیم گفت. فکر می‌کنم قبلاً این را گفته‌ام، اما دوباره تکرار می‌کنم.

کلمه عبری تورات از فعلی به معنای آموزش دادن گرفته شده است. و بنابراین، به طور صحیح، تورات به معنای آموزش است. بله، اغلب به قانون ترجمه می‌شود، اما ما می‌خواهیم آن را به طور کلی به عنوان آموزش در نظر بگیریم.

در این مورد، در زمینه عهد و پیمان، ما قصد داریم در مورد تورات به عنوان بیانیه تعهدات برای انسان‌هایی که اولین Epidictic عهد را دریافت می‌کنند صحبت کنیم. دو اصطلاح از نسل جوان که می‌خواهید بدانید. واژه مورد است که به سادگی به معنای الزامات مطلق است.

حالا، مثال کلاسیک شما از تورات آپودیکتیک چیست؟ ده فرمان، درست است؟ و ما امروز به آنها نگاه خواهیم کرد. اما هرگز فکر نکنید که این تنها تورات آپودیکتیک است که در این کتاب‌ها داریم.

مطمئناً، هرچه به قسمت‌های پایانی خروج ۲۱، ۲۲ و ۲۳، به خصوص در ۲۳، نزدیک می‌شویم، بخش زیادی از تورات اپیدیکتی در آن وجود دارد. و لاویان نیز آن را دارد. همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش از کجا می‌آید؟ لاویان ۱۹، این تورات اپیدیکتی است، درست است؟ بنابراین، دستورات مطلق.

در مقابل، یا شاید از منظری دیگر، تورات کزویستی قرار دارد که به طور خاص، همانطور که همین الان در مقابل شما گفتم، نشان می‌دهد که این یک قانون رویه‌ای است. مشروط است. اگر شرایط خاصی برقرار باشد، مجازات‌های ناشی از آن نیز چنین خواهد بود.

اگر کسی در این شرایط خاص تخلفی مرتکب شود، این همان چیزی است که ممکن است انتظار داشته باشد. یک مثال کلاسیک از این مورد این است که اگر دو مرد در حال دعوا باشند، و در حین دعوا، زنی باردار را بزنند. و فرزندانش از او جدا شوند. ضمناً، این یک اصطلاح جمع است.

بعدش مشکلی پیش نمی‌آید، و آگه آسیب خاصی وارد شده باشد، قبلاً اینو شنیدید، چشم در برابر چشم، جان در برابر جان، و از این جور حرفا. انشالله دوشنبه برمی‌گردیم به اون مجازات «مقدار در برابر مقدار». اما به هر حال، این یه مورد از رویه‌ی قضاییه، تورات کاسوئیستی.

اینها شرایط هستند؛ نتایج به این صورت است، بنابراین، بنابراین، شما مجازات‌های خاصی دارید. باز هم، به برخی از چیزهایی که همزمان با این خوانده‌اید، نه تنها یانگ‌بلاد، بلکه مواردی در عهد عتیق وجود دارد که می‌خواهیم به آنها نیز اشاره کنیم. و من فقط قصد دارم آنها را ذکر کنم تا توجه شما را به آنها جلب کنم.

ما چند قانون‌نامه‌ی خیلی قدیمی داریم. شولگی، که به آن قانون‌نامه‌ی اور-نامو هم می‌گویند، مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد است، خیلی قبل‌تر. خب، و البته، قانون‌نامه‌ی حمورابی، یا به قول بعضی‌ها حمورابی، را هم گاهی اوقات قابل تعویض است BP در آن دارد، و P داریم که یک

این مربوط به قرن هجدهم پیش از میلاد است. هر دوی آنها قبل از خروج ما هستند، و در رویدادهای سینا تورات را ارائه می‌دهند. بسیار خوب، پس اینها قرار است پیشینیان باشند.

البته، آنچه در ادامه می‌آید، نسبتاً همزمان با عهد سینا است. حدود سی و شش معاهده از هیتی‌ها پیدا شده است. امپراتوری هیتی‌ها، البته، همان منطقه‌ای است که ترکیه امروزی را تشکیل می‌دهد.

و امپراتوری هیتی در مقاطع خاصی نسبتاً تهاجمی بود. در نتیجه برخی از این نبردها، آنها با گروه‌های دیگر مردم، قومیت‌ها و ملیت‌ها پیمان بستند. و در این پیمان‌ها، ما الگوی خاصی داریم.

و همانطور که با رنگ زرد برای شما مشخص کرده‌ام، این شکل با شکل عهد در متن کتاب مقدس موازی است. خروج ۲۱ تا ۲۴ یک شکل کلاسیک موازی با آنچه در معاهدات هیتی داریم است، و همچنین کل کتاب. تثنیه. حالا، شما فقط می‌خواهید برخی از این موارد را بدانید.

مقدمه، من خداوند، خدای تو هستم، چیزی است که در خروج می‌خوانید. خیلی کوتاه، خروج ۲۰. مقدمه تاریخی: در معاهدات هیتی، آنها به تفصیل در مورد آنچه که ارباب، حاکم یا پادشاه از طرف این مردمی که با آنها معاهده‌ای پیشنهاد می‌دهد، انجام داده است، صحبت می‌کنند.

من این کار را کرده‌ام، من این کار را کرده‌ام، من این کار را کرده‌ام، و من این کار را کرده‌ام، و بنابراین، شما باید سپاسگزار باشید و از من اطاعت کنید، درست است؟ حال، در خروج ۱۹، این را نیز می‌خوانیم. من شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم؛ بنابراین، از عهد من اطاعت کنید. حال، وقتی به عبارت واقعی در خروج ۲۰ می‌رسیم، این من هستم خداوند، خدای شما که شما را از خانه بندگی، از مصر بیرون آوردم.

این مقدمه‌ی تاریخی است که بسیار کوتاه است، اما قرار است روحیه‌ی سپاسگزاری را در مردم برانگیزد. خداوند این کار شگفت‌انگیز را برای آنها انجام داده است. آنها در واقع باید مطیع باشند.

و البته، شما شروط کلی و شروط خاص دارید. در صحنه‌های ۲۰ تا ۲۴ سفر خروج، ده فرمانی که در سفر خروج ۲۰ آمده، شروط کلی هستند. اگر مایل باشید، تورات اخلاقی، و ما امروز کمی بعد به آنها برمی‌گردیم.

مقررات خاص، خب، از خروج ۲۱ شروع می‌شود، قوانینی در مورد نحوه رفتار با بردگان و برخی مسائل جنسیتی در رابطه با برده‌داری وجود دارد. قوانینی در مورد مالکیت وجود دارد. همینطور که پیش می‌روید هشدارهای شدیدی وجود دارد مبنی بر اینکه در هیچ نوع عملی که بت‌پرستانه یا مانند فرهنگ‌های بت‌پرستانه است، شرکت نکنید.

بنابراین، بسیاری از شروط خاص، حتی تا حدی که می‌گویند بچه را در شیر مادرش نجوشانید. این کاملاً مشخص است، درست است؟ بعد از آن، شاهدانی وجود دارد. در معاهدات هیتی، خدایان زیادی به عنوان شاهد احضار شده‌اند.

از آنجایی که ما آشکارا هیچ پیشینه شرک‌آلودی در این مورد نداریم، چه کسی، چه چیزی به عنوان شاهد در این شکل پیمان که در متن کتاب مقدس می‌بینیم، احضار می‌شود؟ آیا از مطالعه خود به یاد دارید؟ این نکته، واقعاً مهمی خواهد بود، نه تنها از طریق پیمان، بلکه بعداً به همه پیامبران نیز خواهیم رسید. آسمان و زمین آسمان و زمین به عنوان شاهد فراخوانده شده‌اند. به همین دلیل است که وقتی پیامبران را می‌خوانید و به دنبال آن می‌گردید، دفعه بعد که شروع به خواندن پیامبران می‌کنید، پیامبر می‌گوید، من آسمان و زمین را به عنوان شاهدان خود می‌خوانم.

خداوند علیه تو دعوی دارد. او علیه تو اقامه دعوی کرده است، و آسمان و زمین شاهد آن هستند. ببینید این یک عهد است.

این یک امر قانونی الزام آور است. و بنابراین، اگر مردم عهد را شکسته باشند، خدا پرونده‌ای دارد. او یک دعوی حقوقی دارد.

پس اینها شاهدان هستند. لعنت‌ها و برکت‌ها. اگر به عهد خود وفا نکنند، خب، اتفاقات بدی در انتظارشان خواهد بود.

اگر این کار را بکنند، اتفاقات شگفت‌انگیزی در راه است. و جالب اینجاست که بیشتر آنها در بستر زمین آشکار می‌شوند. یادتان باشد، زمین نوعی اعطای زمین است.

این سرزمین را خدا به این مردم داده است. و در نهایت، شرطی برای حفظ این تورات، عهد، باید بگویم، قرار دادن آن در جایی وجود دارد تا هر هفت سال، تثنیه ۳۱، هر هفت سال در عید خیمه‌ها، بتوانند آن را بیرون بیاورند و برای مردم بخوانند، باشه؟ و همه این چیزها در فرم پیمان هیتی نیز یافت می‌شود. آیا شما هم با من در این مورد موافق هستید؟ یک تشابه مهم.

می‌دانم که یانگ‌بلاد در موردش صحبت می‌کند، اما خیلی مهم است. من فقط دارم آن را برای شما تکرار می‌کنم. چند نکته دیگر هم هست که باید در مورد کل این ماجرای عهد و پیمان، ماجرای معاهده، در نظر داشته باشید، و فکر می‌کنم این را در راهنمای مطالعه موازی عهد عتیق می‌گوییم، اما من فقط می‌خواهم، همین جا هم یک جورهایی آن را به طور کامل توضیح دهم. خدا چیزی را از آسمان که قبلاً ندیده‌اند، نینداخته است.

خدا تصمیم گرفت از شکلی استفاده کند که برایشان آشنا بود، اما آن را با معانی فراوان، معانی عمیق، معانی جاودانه مرتبط، القا کرد. ضمناً، دلیل دیگری هم وجود دارد که چرا جالب بود که موسی در دربار فرعون بزرگ شود. او با تمام این مسائل سیاسی و اسناد و غیره آشنا بوده است.

موسی چوپان احمق نیست که فقط به او وحی شود. خدا از تمام چیزهایی که جزئی از پیشینه او هستند استفاده می‌کند. و بنابراین، کسی که ۴۰ سال اول زندگی خود را در بستر مصر گذرانده باشد، برای نوشتن چنین نوشته‌ای کاملاً آماده بوده است.

می‌خواهم به نکته‌ی دیگری اشاره کنم، چون اگر در این زمینه ادامه دهید، یکی از چیزهایی که با آن مواجه خواهید شد، مجموعه‌ای کامل از تحقیقات است که می‌گوید، خب، موسی هیچ کدام از این مطالب را ننوشته است. این مطالب بعداً، در هزاره اول، یعنی چیزی بعد از ۹۰۰ سال قبل از میلاد، نوشته شده‌اند و می‌گویند، ببینید، معاهدات آشوری هم وجود دارد.

و در واقع، وقتی معاهدات آشوری را می‌خوانید، آنها تا حدودی شبیه آنچه در کتاب مقدس می‌بینید هستند. خب، آنها تا حدودی شبیه آنچه در کتاب مقدس می‌بینید هستند، اما یک تفاوت مشخص وجود دارد، و این چیزی است که من سعی دارم اینجا برای شما ذکر کنم. آن مقدمه تاریخی، که به همین دلیل است که در مورد، قبلی برجسته کردم، مقدمه تاریخی، آنچه خدایان برای این مردم انجام داده‌اند، ببخشید، نه آنچه خدایان، آنچه حاکمان برای این مردم انجام داده‌اند، مقدمه تاریخی است، و قرار است باعث ایجاد نوعی قدردانی شود. درست است؟ این در معاهدات هیتی هزاره دوم، همان‌هایی که ما در موردشان صحبت کردیم، نشان داده می‌شود.

این در معاهدات آشوریان نیست، و دلیل خوبی برای آن وجود دارد، و من آن را برای شما بیان می‌کنم. آشوریان، همانطور که هنگام شروع مطالعه تأثیر امپراتوری آشور بر قوم خدا خواهیم دید، بی‌رحم بودند. آنها مردم را پوست کنند.

آنها را به تیرک‌های چوبی بستند. انواع و اقسام کارها را انجام دادند. این کار باعث ایجاد روحیه قدردانی در زیردستان نمی‌شود.

حداقل شما نمی‌توانید تصور کنید که چنین شود. بنابراین، این فقط یک پیشنهاد است که ما دلیل دیگری داریم که احتمالاً این تورات به خودی خود نوشته شده است. شاید حتی توسط موسی.

چه ایده‌ی غارنشینی، نه؟ به نظرم خیلی محتمله. در هر صورت، بیا ادامه بدیم. کلی کار دیگه داریم که باید انجام بدیم.

اهداف تورات. اینها به هیچ وجه فهرست کاملی از اهداف نیستند. اهداف اصلی در اینجا

بدیهی است که می‌توانید، همانطور که در مورد این موضوع فکر می‌کنید، آنها را گسترش دهید، تکمیل کنید و موارد دیگری را نیز اضافه کنید. سه مورد اول با هم سازگار هستند، پس بیایید همه آنها را مطرح کنیم. بفرمایید.

بیایید هنوز چهار تا نکنیم. وقتی شروع به خواندن تورات می‌کنید، حس خوبی از تقدس خدا دارید، یا حداقل باید داشته باشید. حالا، چطور می‌توانید از خواندن تورات به این حس تقدس خدا برسید؟ من می‌گویم که این، تقدس و شخصیت عدالت و رحمت خدا را آشکار می‌کند.

چطور می‌توان با خواندن تورات به نوعی حس تقدس خدا رسید؟ آیا می‌توانید در این مرحله کمی از دکتر ویلسون را بیرون بیاورید؟ یا پدر ابراهیم؟ یا جایی موعظه‌ای را بیرون بیاورید؟ کسی ایده‌ای دارد؟ چند نکته می‌توانیم در این مورد بگوییم. یا آیا او مقدس نیست؟ یا این چیزی است که ما از این کتاب نمی‌فهمیم؟ اوه صبح بدی است. بله، مسیحی.

مریم، ببخشید. باشه، پس داری می‌گی قدرت و کنترلی که اون داره، کنترل مطلق، و بنابراین قراره تقدس رو هم به این ویژگی‌ها اضافه کنی. ایده بدی نیست، اما می‌تونیم به چیز خاص‌تر هم بگیم؟ این به شروعه

شروع خوبیه. کیلین. آره، همین که این همه شرط و شروط اینجا هست، سطح توقع رو خیلی بالا میبره، مگه نه؟ طبق یهودیت سنتی خاخامی، ۶۱۳ تا قانون

خب، حالا می‌خواهم یک تشبیه خیلی بد بکنم، باشه؟ خب، می‌توانید قبول کنید یا نکنید. اما وقتی یک مربی، یک معلم، یک استاد، هر چه اسمش را بگذارید، دارید که انواع و اقسام خواسته‌ها را از شما تحمیل می‌کند می‌گیرد و می‌گذارد بدون A این چیزی در مورد شخصیت آن مربی می‌گوید، برخلاف کسی که به راحتی نمره، هیچ تلاشی از پشش بریباید، درست است؟ خب، همین واقعیت که ما تعداد زیادی قانون داریم، و در واقع این ما را به موارد دو و سه می‌رساند. این نشان می‌دهد که چقدر به شدت نیازمندیم، چقدر در گناه غرق شده‌ایم، زیرا هر بار که برمی‌گردیم، به آن آینه تورات نگاه می‌کنی، و درست به تو می‌درخشد، و متوجه می‌شوی، برادر، آیا من دوباره کوتاهی کرده‌ام؟ و سپس همانطور که پولس می‌گوید، این یک معلم مدرسه است که ما را به سوی مسیح هدایت کند.

نکته‌ی دیگری هم اینجا مطرح می‌شود، از نظر اینکه این تورات قدوسیت خدا را آشکار می‌کند. بارها و بارها و بارها و بارها، به خصوص در لاویان، می‌گوید مقدس باشید زیرا من، خداوند، خدای شما، مقدس هستم. به همین سادگی.

خدا اعلام می‌کند که او مقدس است. او جدا شده است، و بنابراین، این بخشی جدایی‌ناپذیر از آنچه اتفاق می‌افتد است. خب، همانطور که گفتم، پولس در رومیان کاملاً روشن می‌کند که تورات این کارکرد را برای ما دارد.

و سپس جلال و زیبایی آن در این است که ما را به سوی مسیح هدایت می‌کند. معلم مدرسه اصطلاحی است که پولس به کار می‌برد. تورات معلم مدرسه‌ای است که ما را به سوی مسیح هدایت می‌کند زیرا ما به شدت نیازمندیم.

می‌دانم اگر در کلیسا بزرگ شده باشید، این را شنیده‌اید. احتمالاً این چیزی است که شما آن را بدیهی می‌دانید، اما اینطور نیست. ما تمایل داریم بیش از حد بدیهی بدانیم.

ما باید هر از گاهی در مورد این چیزها تجدید نظر کنیم. خب، تورات کارهای دیگری هم انجام می‌دهد. دست‌ورالعمل‌هایی برای جدا شدن قوم خدا ارائه می‌دهد.

می‌دانید، یکی از نکات جالب در مورد یهودیت در طول قرن‌ها این است که آنها توسط فرهنگ‌های اطرافشان به رسمیت شناخته می‌شدند، مهم‌ترین دلیل آن این بود که آنها روز سبت را نگه می‌داشتند. این چیزی بود که آنها را متمایز می‌کرد. چیزهای دیگری هم وجود داشت، قوانین کوشر آنها و غیره.

اما اینها چیزهایی هستند که آنها را متمایز می‌کنند، و آنها را نه فقط برای متفاوت بودن و عجیب و غریب بودن، بلکه برای اینکه بتوانند به طور شایسته خدا را دوست داشته باشند، متمایز می‌کنند. سبت در خود روزی را گنجانده است تا شما بر خدا تمرکز کنید. این نکته‌ی عیسی بود.

پسر انسان، مالک روز سبت است. این موضوع پیامدهای عمیقی برای ما دارد، درست است؟ پس جدا شده‌ایم، و نه تنها سبت این کار را انجام می‌دهد؛ بلکه همه چیزهای دیگر نیز این کار را می‌کنند. اگر آنها مطیع بودند، واقعاً متمایز بودند.

البته، همانطور که می‌دانید، اغلب اوقات بنی‌اسرائیل خیلی مطیع نبودند و در سطح فرهنگ اطرافشان تنزل می‌کردند. البته، این برای ما هم آموزنده است، و اغلب ما در سطح فرهنگ اطرافمان تنزل می‌کنیم. همچنین یک کارکرد بسیار عمل‌گرایانه وجود دارد، اگر آن چهار مورد اول را خیلی دوست ندارید، بسته به جایی که هستید.

می‌دونی، تورات ضروریه، قوانین ضروری هستن. فقط برای اینکه مطمئن بشیم سیستم‌های اجتماعی به درستی کار می‌کنن. در گوردون قوانینی وجود داره.

می‌دانم که چیز زیادی نیست، خب، بستگی به این دارد که اهل کجا باشی. اما در گوردون قوانینی وجود دارد، تا در واقع، ما به طور مناسب عمل کنیم و همیشه مزاحم یکدیگر نشویم. قوانینی برای رانندگی وجود دارد، برای همه چیز قوانینی وجود دارد.

و بعد، بدیهی است که آن معیارها شکسته می‌شوند. راه‌هایی برای برخورد با آنها وجود دارد. و بعد یک متن بسیار جالب، و من در واقع می‌خواهم عبرانیان ۱۰، آیه ۱ را برای شما بخوانم.

چون تورات فقط به اینجا و اکنون نمی‌پردازد، بلکه بگذارد، به شما پیشنهاد کنم، از چیزی که نویسنده عبرانیان می‌گوید، فراتر می‌رویم. و این تنها جایی نیست که او این را می‌گوید، اما من فقط به آیه ۱:۱۰ اشاره

می‌کنم، چون تقریباً همانجاست. شریعت فقط سایه‌ای از چیزهای خوبی است که قرار است بیایند، باشه؟ شریعت سایه‌ای از چیزهای خوبی است که قرار است بیایند.

نویسنده‌ی عبرانیان از ایده‌ی سایه زیاد استفاده می‌کند، و احتمالاً من هم وقتی شما عهد جدید را با دکتر گرین گذرانید، به آن علاقه‌مند شدم. اما نکته‌ی من این است که وقتی ما سیستمی را می‌بینیم که خدا برای نحوه‌ی زندگی قومش روی زمین وضع کرده است، عدالت، چگونگی اجرای عدالت، چگونگی برخورد با این چیزها، چگونگی بخشش، این ما را به آنچه در آینده اتفاق می‌افتد، معطوف می‌کند.

وقتی همه چیز واقعاً درست شود. من شالوم را آنجا هایلایت کرده‌ام. و یکی از دلایل انجام این کار این است که فعل عبری پشت این کلمه بیش از حد به کار می‌رود.

منظورم این است که ما الان زیاد از شالوم استفاده می‌کنیم. این کلمه مد روز مسیحی است، و کلمه مد روز انجیلی هم هست. اما نکته اینجاست.

پشت این یک فعل عبری وجود دارد که به معنای پرداخت کردن، بسیار خوب، پرداخت کردن است. گاهی اوقات به معنای بازپرداخت کردن است. گاهی اوقات شامل کل ایده جبران خسارت می‌شود.

بنابراین، مواردی وجود دارد که باید در حوزه ابدیت نیز اصلاح شوند، و شالوم به این موارد مربوط می‌شود. حال، باز هم، در این مورد نیز حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد، اما باید ادامه دهیم. آیا در این مورد سؤالی دارید؟ خب، بیایید به سراغ مجموعه مطالب بعدی خود برویم.

می‌دانم وقتی جای دیگری کلاس می‌گیری، کسی به تو می‌گوید دیگر کسی تورات را به سه دسته تقسیم نمی‌کند. خب، من هنوز هم این کار را می‌کنم. و دلیلش این است که به ما کمک می‌کند تا به راحتی در مورد این چیزها فکر کنیم.

اگر دوباره بخوانید، من از خروج ۲۰ تا ۲۳ به عنوان نوعی الگوی خودمان استفاده می‌کنم. اگر صرفاً آن را بدون درک دسته‌بندی‌های مفهومی بخوانید، ممکن است در باتلاق گم شویم، درست است؟ و شما هم همینطور بودید، اگر آن را برای امروز خوانده باشید، به نوعی متوجه این اتفاق می‌شوید. بنابراین، من این دسته‌بندی‌ها را به عنوان راه‌هایی برای تفکر مفهومی در مورد کل این موضوع، که تورات خداست، پیشنهاد می‌کنم.

این به این معنی نیست که همپوشانی وجود ندارد. وجود دارد، ما آنها را خواهیم دید. این به این معنی نیست که مرزهای متخلخل اینجا و آنجا وجود ندارد.

وجود دارند، ما آنها را خواهیم دید. اما با این حال، فکر می‌کنم مفید است که به برخی از این دسته‌ها فکر کنیم. بنابراین، اول از همه، همانطور که در مورد تورات اخلاقی صحبت می‌کنیم، من اخلاق را نیز در آنجا مطرح می‌کنم، صرفاً به این دلیل که برخی از مردم این کلمه را به همان اندازه دوست دارند.

و بنابراین، ما آن را تورات اخلاقی اسلش می‌نامیم. ما در مورد آن دسته از دستورات عمل‌هایی صحبت می‌کنیم که الزاماتی را بر قلب‌های ما، بر اراده‌های ما، بر وجود ما تحمیل می‌کنند. گاهی اوقات، این الزامات هرگز به سیستم دادگاه راه پیدا نمی‌کنند.

بعضی وقت‌ها، هیچ‌کس جز شما و خدا نمی‌داند که آنها شکسته شده‌اند. اما شما می‌دانید، و وجدانتان به شما می‌گوید، اولین فرمان از ده فرمان، و در بعضی موارد دو فرمان اول از ده فرمان. هرگز او را به دادگاه نکش، اما هیچ خدای دیگری قبل از من نخواهی داشت.

آخ، این تورات اخلاقی است. حالا، کمی بعد بیشتر در مورد ده فرمان و اینکه چگونه جنبه‌های مختلف تورات، اخلاقی را نشان می‌دهند صحبت خواهیم کرد. بیایید در مورد دسته دومان، یعنی اسلش مدنی اجتماعی صحبت کنیم.

و دوباره، این [موضوع] به همان هدف برمی‌گردد. فکر می‌کنم چهارمین هدفی بود که بیان کردیم، یا حدس می‌زنم پنجمین هدف، حالا که به آن فکر می‌کنم، می‌گوید که ما باید دستورالعمل‌هایی برای کمک به عملکردمان در جامعه داشته باشیم. ما همین کار را می‌کنیم، و بنابراین تورات مدنی-اجتماعی قرار است این کار را انجام دهد.

ساختار رفتار اجتماعی، اولاً: این نحوه برخورد شما با مسائل جنسیتی است، این نحوه برخورد شما با کسانی که برده هستند. این نحوه برخورد شما با عدالت است، رشوه نگیرید و غیره، و غیره، باشه؟ ساختار رفتار اجتماعی و، نکته کلیدی این است که اجرای صحیح عدالت را فراهم می‌کند. به طوری که اگر کسی واقعاً مرتکب قتل شود، یا اگر کسی واقعاً کسی را بکشد، بیایید کمی متفاوت عمل کنیم، باید به ساختارهای مدنی اجتماعی تورات خود مراجعه کنید تا بفهمید، خب، آیا این قتل آشکار بوده است، که در این صورت مجازات حبس ابد داریم، یا قتل غیرعمد بوده است، که در این صورت فرد می‌تواند به شهر پناهگاه فرار کند؟ راه‌هایی برای رسیدگی به این موارد وجود دارد، بنابراین همه اینها بخشی از دسته بندی کلی مدنی اجتماعی ما است.

اما همانطور که برای شما اشاره کردم، مرزها کمی متخلخل هستند، زیرا بدیهی است که تورات اخلاقی با جامعه مدنی همپوشانی خواهد داشت. با این حال، در اینجا ما این مسئله اجرای صحیح عدالت را داریم که مهم است. و در نهایت، تورات آیینی، تورات تشریفاتی، دو چیز در اینجا بسیار مهم هستند، و مطمئن شوید که هر دو را داریم.

اول از همه، توجه ما را به خدا معطوف می‌کند، و همانطور که می‌خواهیم آن را بسط دهیم، راهی برای کمک به ما در پرستش خدا خواهد بود. تورات آیینی کاملاً با یکی از این جنبه‌های حضور در حضور خدا مرتبط است. چگونه به حضور خدا می‌رسیم؟ دفعه بعد، نه، متأسفم، چهارشنبه، به خواست خدا، رک و پوست کنده، حرف‌های زیادی برای گفتن خواهیم داشت، در مورد آنچه در کلیسا اتفاق می‌افتد.

حالا، من مستقیماً به آن نمی‌پردازم، اما اگر ارتباطها را متوجه نشوید، مشکلی دارید، باشه؟ بنابراین، تورات آیینی به کل این موضوع می‌پردازد که چه زمانی زمان‌ها و مکان‌های مقدسی برای پرستش خدا تعیین شده است، و قرار است قوم خدا به شیوه‌ای خاص رفتار کنند. این در آن زمان که کاهنان و خیمه‌ها و حیوانات قربانی داشتند، صادق بود. این اصول هنوز هم صادق هستند.

فعلاً پایان خطبه. چهارشنبه برمی‌گردم سر بحث اصلی ام. بسیار خوب، نکته دوم این است که اگر بخواهید به آیین‌های تشریفاتی فکر کنید، نه تنها مکان‌ها و زمان‌های مقدس وجود دارند، و اتفاقاً آنها هدایایی برای ما هستند، بلکه تورات آیینی به ما یادآوری می‌کند که تمام زندگی در حضور خدا زیسته می‌شود.

تمام زندگی در حضور خدا سپری می‌شود. و بنابراین، وقتی لاویان ۱۱ تا ۱۵ را می‌خوانید، و در مورد کپک و ترشحات بدن می‌خوانید، و با خود فکر می‌کنید، خدای من، خب، این یادآوری است که تمام زندگی در حضور خدا سپری می‌شود. هیچ چیز خارج از حوزه دید او نیست.

اگر تا به حال با دکتر ویلسون ملاقات داشته‌اید، احتمالاً این را در کتاب «پدر ما ابراهیم» خوانده‌اید. می‌دانید که در یهودیت، برای هر چیزی برکتی وجود دارد. آیا این را می‌دانید؟ برای هر چیزی برکتی وجود دارد.

هر کاری که انجام می‌دهید، برکتی در آن نهفته است. حتی رفتن به دستشویی نیز برکتی دارد. تمام زندگی در حضور خداوند سپری می‌شود.

و وقتی بدن انسان به درستی عمل می‌کند، حتی در آن ظرفیت، این مهم است. انسان از این طریق خدا را متبارک می‌شمارد. بسیار خوب، پس دوباره، این سه دسته هستند که به ما کمک می‌کنند تا به طور مفهومی در مورد این موضوع بسیار پیچیده تورات فکر کنیم.

حالا، قبل از اینکه ادامه بدیم، سوالات و نظرات؟ تا اینجا که خوب بود؟ بسیار خوب، قراره بقیه‌ی امروز، که حدود ۲۵ دقیقه میشه، رو در مورد ده فرمان صحبت کنیم. حفظشون کنید. حفظشون کنید.

می‌تونم دو داستان در این مورد برایتان تعریف کنم، و بعد به موضوع اصلی می‌پردازیم. شوهرم که دانشجوی کارشناسی بود، به کالج بلویت رفت که کالج نسبتاً مناسبی در ویسکانسین است، و من متوجه شدم که این موضوع مربوط به میلیون‌ها سال پیش است. می‌دانم که او به اندازه کافی پیر است که جای پدر بزرگ شما باشد، اما این موضوع اشکالی ندارد.

او به کالج بلویت رفت، و این یک کالج مسیحی نیست. اما در کلاس ادبیات انگلیسی، استادش دانشجویان را مجبور می‌کرد ده فرمان را حفظ کنند. چرا؟ چون آنها برای ما به عنوان یک ملت بسیار اساسی هستند.

قوانینی که وجود دارند جهانی هستند، باشه؟ خوب، آنها مجبور بودند ده فرمان را حفظ کنند. خوب، همه اینها خوب و عالی است، و این مربوط به دهه ۱۹۶۰ است. همانطور که برخی از شما می‌دانید، من به کلیسای خیابان پارک می‌روم.

و حدود دو سال پیش، کشیش ارشد شروع به ایراد مجموعه‌ای از خطبه‌ها در مورد ده فرمان کرد. خطبه‌های بسیار خوبی بودند. اگر علاقه‌مند باشید، احتمالاً می‌توانید آنها را دانلود کنید.

حرف‌های زیادی برای گفتن هست. اما در معرفی مجموعه‌اش، گفت که داستان‌های جالبی تعریف می‌کند و یکی از آنها این بود که تصمیم گرفته از میان کارکنان وزارتخانه در خیابان پارک، پرس‌وجو کند. حدود ده نفر در کارکنان وزارتخانه در خیابان پارک هستند.

و بنابراین او به هر دری رفت، در زد، در زد، در باز شد. آیا می‌توانید ده فرمان را از حفظ بخوانید؟ و آیا می‌دانید که هیچ‌کدام از آنها نمی‌توانست؟ هیچ‌کدام از آنها نمی‌توانست. آنها هنوز هم به این موضوع اشاره می‌کنند.

در واقع، دو یکشنبه پیش، شخصی که موعظه می‌کرد و از اعضای هیئت مذهبی بود، با ناراحتی به آن تجربه شرم‌آور اشاره کرد که گوردون هوگنبرگر در خانه‌اش را زد و او حتی نمی‌توانست ده فرمان را از حفظ بخواند. پس، این شانس شماست. چیزی را که واقعاً برای شما مهم است، بپذیرید.

و محکم بچسب. هیچ چیز بهتری را نمی‌توانی حفظ کنی مگر اینکه همه مزامیر یا انجیل یا چیزی شبیه آن را خوانده باشی. آیا این کافی است، هر چه که باشد، جمعه است، درست است؟ ده فرمان، تورات قطعی هستند.

بر اساس اقتدار مطلق خداوند به عنوان پادشاه حاکم. ما قبلاً این نوع چیزها را گفته‌ایم. توجه کنید، همانطور که ده فرمان را همراه با مطالب گسترده‌تری که در خروج ۲۱ تا ۲۳ آمده است، می‌خوانید، مجازات بسیاری از این موارد در نهایت مجازات اعدام بود.

به همین اندازه اهمیت داشتند. به آنچه عیسی در مورد آنها گفته بود نیز توجه کنید. وقتی از او سؤال شد، و من یکی از منابع را اینجا به شما ارائه داده‌ام، می‌توانید به شباهت‌ها نیز نگاه کنید، اما مورد مرقس ۱۲ تا حدودی خوب است.

بزرگترین قانون چه بود؟ مهمترین قانون چیست؟ خب، می‌دانید، شما با ۶۱۳ فرمان سر و کار دارید. چه می‌خواهید بگویید؟ عیسی خیلی عاقلانه می‌گوید، خداوند خدای خود را با تمام وجود دوست بدار. همسایه‌ات را مانند خودت دوست بدار.

او به او یکی نداد، دو تا داد. و سپس گفت، بر همه اینها، بر اینها تمام شریعت و پیامبران آویزان است. بنابراین دو جنبه مکمل مسئولیت انسانی، دوست داشتن خدا با هر جنبه‌ای از وجودمان و دوست داشتن همسایه‌مان مانند خودمان است.

عیسی این موارد را به شیوه‌ای بسیار خوب خلاصه کرد. بسیار خب، آیا آماده‌ایم که ادامه دهیم؟ اغلب اوقات، می‌دانید، ما این را در کتاب مقدس می‌خوانیم، که می‌گوید دو لوح برای شهادت وجود دارد، درست است؟ دو لوح برای شهادت. خب، معمولاً، ما تصویری شبیه به این داریم.

این موسی است. رامبراند باید کارت شناسایی‌اش را آنجا می‌گذاشت؛ آنها آن را آنجا نگذاشتند. از کوه پایین، می‌آمد، و این یکی از لوح‌های اوست، و پنج فرمان آخر روی آن نوشته شده است. شاید نتوانم این را بخوانم، اما می‌گوید قتل نکنید، زنا نکنید و غیره و غیره.

بیشتر ما فکر می‌کنیم، و بیشتر آثار هنری ما، این دو لوح را دارند. می‌دانید، یکی اینجا، یکی پنج فرمان اول. روی این یکی است، و پنج فرمان دوم روی آن یکی.

مشکل اون عکس چیه؟ کسی می‌دونه؟ بگا، ادامه بده. باشه، چیز اضافی زیادی نداره، درسته. و البته، یکی از سوالات جالب اینه که چقدر اونجا نوشته شده.

اما حتی اگر ما فقط ده کلمه‌ای را بگوییم که در ابتدا به موسی در سینا گفته شد، قبل از اینکه مردم در پایان خروج ۲۰ بت‌سند و بگویند، دیگر نگذارید او با ما صحبت کند، شما با او صحبت کنید. بله، کیت، عالی، عالی چیزی که ما اینجا داریم، بدون شک، با کل این ماجرای معاهده هیبتی‌ها مطابقت دارد، دو نسخه از آن در حال تهیه است.

بنابراین، وقتی صحبت از دو لوح تورات می‌شود، کل آن روی یک لوح و کل آن روی لوح دیگر است. و یکی برای مردم نگهداری می‌شود و دیگری در واقع در محراب نگهداری می‌شود. صندوق عهد جایی است که یکی برای خدا نگهداری می‌شود.

بسیار خوب، ما قصد داریم بقیه احکام، یا ببخشید، همه احکام را به ترتیب بررسی کنیم. ضمناً می‌دانم که آن دسته از شما که از پیشینه کاتولیک رومی آمده‌اید، سیستم متفاوتی برای شماره‌گذاری احکام خود دارید. لطفاً آنها را همانطور که من اینجا دارم به خاطر بسپارید.

توضیح می‌دهم که چرا این موضوع تا یک دقیقه دیگر مهم است. پس لطفاً، اگر چنین چیزی در ذهنتان دارید، کمی آن را تغییر دهید.

اولین مورد ما، بگذارید آن را بخوانم، خروج فصل 20، آیه 3. تو هیچ خدای دیگری قبل از من نخواهی داشت. بسیار خوب، تو هیچ خدای دیگری قبل از من نخواهی داشت. ضمناً، اینها در تثنیه 5 نیز یافت می‌شوند. فقط برای اینکه بدانید، دو مکان وجود دارد.

این برای مردمی است که از مصر بیرون آمده‌اند، جایی که شرک به تازگی رواج داشته است، و خدا می‌گوید خدایان دیگری وجود ندارند. جهان‌بینی خود را از نو تنظیم کنید. از شر تمام چیزهایی که قلبتان را آزار می‌دهد خلاص شوید.

هیچ خدای دیگری پیش از من نبوده است. حالا، بیایید مورد دوم را هم بخوانیم؛ کمی طولانی‌تر می‌شود. برای خود بتی به شکل هیچ چیز در آسمان بالا، یا روی زمین پایین، یا در آب‌های زیرین نساز.

نباید در برابر آنها سجده کنی یا آنها را پرستی. این مانع کار هنری نیست. بلکه می‌گوید که برای سجده کردن به آن، از آن بت نساز.

این تمایزی است که وجود دارد. حالا، این یکی از مواردی است که، اگر از پیشینه کاتولیک رومی می‌آید، این یک فرمان جداگانه نیست. اما می‌خواهم آن را به عنوان یک فرمان جداگانه ببینید.

این یک فرمان جداگانه است که بت نسازید، در برابر آنها سجده نکنید. و سپس توجه کنید که در ادامه چه می‌گوید. زیرا من، خداوند، خدای شما، خدای حسود هستم.

اوه، مشکل این چیه؟ آیا از حسادت خدا خوشتر می‌آید؟ و بعد بذار ادامه‌اش رو بخونم. از فرزندان به خاطر گناه پدران تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من متنفرند، عیادت می‌کنم، اما به هزاران نفری که دوستم دارند و از احکام من پیروی می‌کنند، عشق می‌ورزم. این چه ربطی به حسادت خدایان داره؟ یه موعظه‌ای تو جیبیت داری که یه جایی در موردش شنیدی؟ چلسی، قرار بود یه چیزی بگی.

خوب، و اجازه دهید کمی بیشتر در موردش توضیح بدهم. از این واقعیت غافل نشوید که این یک پیمان است. و در واقع، خدا، از طریق پیامبران بعداً، حتی آن را به عنوان یک پیمان ازدواج معرفی خواهد کرد.

و بگذارید فقط به شما پیشنهاد کنم که وقتی ازدواج کردید، اگر حسود نیستید، اگر همسرتان با شخص دیگری از جنس مخالف خودش بیرون می‌رود و شروع به بدرفتاری می‌کند، اگر حسود نیستید، یک جای کار می‌لنگد. یک جای کار شما از ریشه مشکل دارد. این یک عهد است، و خدا حق دارد وقتی قومش با دیگران معاشرت می‌کنند، حسادت کند، ببخشید، خدایان دیگر، ببخشید.

قوم او با خدایان دیگر معاشرت می‌کنند و آن خدایان آنها را اغوا می‌کنند تا آن پیمان را بشکنند. حسادت جا دارد. بت‌پرستی، می‌توانیم زمان زیادی را صرف این موضوع کنیم.

نسبت دادن قدرت خدا به اشیاء آفریده شده. اساساً، شما چیزی را می‌سازید و فرض می‌کنید که اگر آن را به روش درست دستکاری کنید، کاری را که می‌خواهید انجام می‌دهد. ما دیگر بت‌های خود را نمی‌سازیم. ما واقعاً آنها را می‌خریم.

این کاری است که ما انجام می‌دهیم، ما آنها را می‌خریم. آنها توسط شخص دیگری برای ما ساخته شده‌اند. کولسیان فصل ۳ به ما می‌گوید که طمع، بت‌پرستی است و همه ما طعمه آن می‌شویم.

حرص و طمع، بت‌پرستی است، خواستن بیش از حد برای به دست آوردن نوعی قدرت یا هر ظواهر دیگری که با آن همراه است. حال، اجازه دهید این را هم بگوییم که وقتی این مجازات بین نسلی را می‌بینیم، که گناه را به فرزندان، به نسل سوم و چهارم می‌رساند. این هم کمی نگران‌کننده است، تا زمانی که تشخیص دهیم در واقع، وقتی پدران و مادران، والدین، الگوهای واقعاً مضر را در پیش می‌گیرند، این چیزها در نسل‌های بعدی ادامه می‌یابد.

و شما هم مثل من می‌دانید که شکستن آن الگوهای ناکارآمد خانوادگی، به خصوص در حوزه‌هایی که واقعاً حیاتی هستند، ادامه دارد. البته، پادزهر آن این است که بسیار مراقب باشید که بت نداشته باشید و خدا را در اولویت قرار دهید.

و بعد، این نکته‌ی متضاد را مطرح می‌کند، ابراز عشق به هزاران نفر، به کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا حفظ می‌کنند، درست است؟ بنابراین، فرمان علیه بت‌پرستی یک فرمان بسیار مهم است. ما قصد داریم کمی بیشتر با خروج ۳۲ کار کنیم؛ این وضعیت گوساله‌ی طلایی است. با توجه به اینکه درست پس از اعطای ده فرمان، وقتی موسی به تنهایی به کوه سینا می‌رود، دستورالعمل‌هایی برای نحوه‌ی ساخت خیمه و نحوه‌ی عملکرد هارون به عنوان کاهن اعظم دریافت می‌کند.

هارون چه کار می‌کند؟ او در پایین کوه و با تحریک مردم مشغول ساختن گوساله است، که در آن شرایط، بیان وحشتناک، هولناک و نفرت‌انگیزی از بت‌پرستی است. اما وقتی آن روایت را داشته باشیم، به آن برمی‌گردیم. این هم روایت سختی است.

بگذارید برایتان بخوانم. من آیه هفت را می‌خوانم و ترجمه تحت‌اللفظی دردناکی را برایتان ارائه می‌دهم، درست، شما می‌گویید، پس ترجمه تحت‌اللفظی دردناک را بگیرید. نام خداوند NIV است؟ این چیزی نیست که خدای خود را به پوچی نبرید.

دوباره همین را می‌خواهی؟ نام خداوند، خدای خود را به پوچی و بی‌معنی بودن بلند نکن. زیرا خداوند کسی را که این کار را انجام دهد، بی‌گناه نخواهد شمرد. حال این به چه معناست؟ به این معنی نیست که نام خداوند، خدای خود را برای همیشه به پوچی و بی‌معنی بودن بلند کنیم.

بسیار خوب، این همان چیزی است که شاه جیمز می‌گوید. منظور از بیهوده گفتن نام خداوند چیست؟ بسیار خوب، استفاده‌ی بی‌ملاحظه از نام خداوند یا کفرگویی، ضمناً این دو چیز کاملاً متفاوت هستند. اما به زودی به آن برمی‌گردیم.

خب، فکر می‌کنم هر دوی این‌ها دخیل هستند، به آن‌ها اشاره می‌کنم. نکته‌ی دیگری هم هست؟ هر چیزی که از مطالعات به دست آورده‌ای، کیلین؟ خب، پس مطمئناً نوعی عمد وجود خواهد داشت، هرچند، پیشنهادت این است که مردم دعا می‌کنند، حتی در دعاهایشان، از نام خدا سوءاستفاده می‌کنند؟ خب بگذارید پیشنهاد بدهم، منظورم این است که ممکن است در این مرحله خیلی رک باشم. اما ممکن است، و مطمئن نیستم که چقدر این را پیش ببرم، که وقتی نام خداوند یا خدا در دعاهایتان به ویرگول تبدیل می‌شود، ممکن است کمی اغراق کنیم، می‌دانید چه می‌گوییم؟ گاهی اوقات، وقتی به دعاهای مردم گوش می‌دهید، مکث می‌کنند و خداوند را در آن قرار می‌دهند، و بیش از هر چیز دیگری به ویرگول تبدیل می‌شود.

البته، من اینجا نیستم که از آن انتقاد کنم. در واقع من روی چیزی کمی اساسی‌تر تمرکز دارم. بکا؟ خب، پس این ایده که نام خدا واقعاً قدرت دارد، و بنابراین هرگونه استفاده‌ی بی‌دقت از آن، سوءاستفاده از آن قدرت خواهد بود، درست است.

اگر اجازه بدهید، دو پیشنهاد دیگر هم بدهم. اول از همه، و باز هم، فکر می‌کنم یانگ‌بلاد در جایی به این موضوع اشاره می‌کند، بخشی از این موضوع را می‌توان در چارچوب حقوقی بررسی کرد. و ممکن است منظور عیسی این باشد که وقتی در مورد «بله‌تان بله و نه‌تان نه باشد» صحبت می‌کند، به این موضوع اشاره دارد، و اینکه به طلای معبد و به این موضوع سوگند یاد نکنید.

بخشی از آن ممکن است مربوط به سوگند خوردن در موقعیت‌های مختلف و سهل‌انگاری در مورد آنها باشد، که ممکن است بخشی از آن باشد. اما می‌خواهم به چیزی که قبلاً گفته شد برگردم، که فکر می‌کنم به همان اندازه و شاید حتی بیشتر مهم است زیرا برای هر یک از ما در اینجا قابل درک است. و با گفتن این دوباره توجه شما را به یهودیت معاصر جلب می‌کنم.

اگر دوستان یهودی ارتدکس و معتقدی دارید، خیلی مراقب هستند که نام خدا را تلفظ نکنند. و وقتی آن را ممیز اشتباه می‌گیرند. و اگر به عقب برگردید و انجیل متی را بخوانید، او بارها و بارها D را با G می‌نویسند می‌گوید: پادشاهی آسمان، زیرا او پادشاهی خدا را نمی‌گوید. این همان نگرانی عمیق است که هرگز در موقعیتی قرار نگیریم که نام خدا را سبکسرانه، سرسری، بدون تفکر عمیق در مورد قدرت و شخصی که پشت آن قدرت است، به زبان آوریم.

حالا، تنها کاری که باید انجام دهید این است که ده دقیقه در کالج گوردون قدم بزنید، و همه ما در این امر مقصر هستیم. شما اشارات بسیار سبک و بی‌مزه‌ای به مرد طبقه بالا می‌شنوید. خدا شما را خواهد گرفت.

به نظر من، این نوع کارها شاید در آستانه سوءاستفاده از این فرمان خاص باشد. حالا، من به شما نمی‌گویم که بروید بیرون و شروع به کتک زدن همه افراد خوابگاه کنید. ما باید در این زمینه مراقب خودمان باشیم.

باید مراقب خودم باشم. خیلی راحت می‌توان وارد این ماجرا شد. و بنابراین نمی‌توانیم فقط بگوییم که این موضوع به شرایط قانونی مربوط می‌شود.

لازم نیست نگران این موضوع باشم. یا این موضوع به استفاده از زبان کفرآمیز مربوط می‌شود. من این کار را نمی‌کنم.

نه، همه ما شاید در حال سوءاستفاده از این فرمان خاص هستیم. فرمان چهارم، فرمان سبت است. وقتی در مورد تورات آیینی صحبت می‌کنیم، چیزهای بیشتری در مورد فرمان سبت برای گفتن خواهم داشت، زیرا این یکی از آن عبورهای چشمگیر از مرزها است.

، و نه تنها آیین‌ها، بلکه جامعه مدنی را نیز. اما فعلاً، توجه به این نکته مهم است که هنگام خواندن خروج ۲۰، همراه با تثنیه ۲۵، ببخشید، تثنیه ۵، منابع را درست می‌نویسم. کمی تفاوت در دلایل ارائه شده وجود دارد.

در سفر خروج، روز سبت را با مقدس نگه داشتن آن به یاد داشته باشید. اکنون آیه ۱۱ را می‌خوانم. در شش روز، خداوند آسمان‌ها و زمین، دریا و هر آنچه در آنهاست را ساخت.

او در روز هفتم استراحت کرد. بنابراین، روز سبت را متبرک کرد و آن را مقدس شمرد. اگر به فصل پنجم تثنیه مراجعه کنید، دلیل آن، همانطور که گفتم، نه بر خلقت، بلکه بر رستگاری متمرکز است.

بگذار آن را بخوانم. به یاد داشته باش که تو در مصر برده بودی و خداوند، خدایت، تو را با دستی نیرومند و بازویی دراز از آنجا بیرون آورد. بنابراین، خداوند به تو فرمان داده است که روز سبت را گرمی بداری.

آیا منظور را می‌فهمید؟ حتی در ده فرمان، ما دو دلیل بسیار عمیق برای نگه داشتن روز سبت داریم. یکی خلقت است که به فرآیند خلقت برمی‌گردد. و دومی این است که خدا شما را نجات داده است.

این دلیل بسیار خوبی برای نگه داشتن روز سبت است. حالا می‌خواهیم این را به آنچه دفعه قبل در رابطه با خروج ۱۶ در مورد آن صحبت کردیم، اضافه کنیم. آن گروه از بردگان نسل اندر نسل به بردگی گرفته شده بودند، که یک روز در هفته برایشان هدیه‌ای از جانب خدا بود.

پس همه این مطالب را کنار هم بگذارید، و اگر خدا بخواهد، هفته آینده بیشتر در مورد سبت صحبت خواهیم کرد. اولین آنها محبت به خداوند، خدای خود، با تمام قلب، روح و ذهن شماست. حال که به بقیه آنها می‌پردازیم، این در دسته محبت به همسایه مانند محبت به خود قرار می‌گیرد.

مورد اول مربوط به احترام به والدین است. ضمناً، برخی افراد این را به عنوان یک موقعیت متغیر بین دوست داشتن خدا و دوست داشتن همسایه می‌دانند. البته، خداوند والدین را به گونه‌ای قرار داده است که نمایندگان او برای خانواده باشند.

در هر صورت، احترام به والدین. خوب، این موضوع مسئله‌ی دیگری را مطرح می‌کند، چون احتمالاً همه من و شما موقعیت‌هایی را می‌شناسیم که والدین دقیقاً، خوب، دقیقاً قابل تحسین نیستند. و چطور به کسی می‌گویید که به پدر یا مادری که بدرفتار، بی‌توجه یا کاملاً از صحنه خارج شده است، احترام بگذارد؟ چطور به کسی می‌گویید که این کار را انجام دهد؟ مسئله‌ی ساده‌ای نیست، اما بگذارید اینجا پیشنهادی بدهم.

کلمه‌ای که در این متن برای احترام به کار رفته، کلمه عبری احترام، در آن به گونه‌ای گنجانده شده که سنگین، ثقیل و دارای جوهره باشد. و شاید بخشی از این احترام گذاشتن، صرفاً به تأمین نیازهای والدین مربوط باشد. اگر نتوانیم از نظر عاطفی آنها را دوست داشته باشیم، و دلایل زیادی در یک دنیای ناکارآمد و سقوط کرده وجود دارد که چرا این درست است، ما هنوز می‌توانیم نیازهای والدین را تأمین کنیم.

مخصوصاً وقتی به سن پیری می‌رسند. بنابراین، دوباره، در بطن آن ایده‌ی احترام در کلام عبری، فقط دارم حرف خودم را تکرار می‌کنم چون مهم است. در بطن آن ایده‌ی تدارک دیدن، دادن جوهره و وزن تدارکات به آنها وجود دارد.

در فرهنگ عبری، اینطور به نظر می‌رسد. این به آنها ۱۰،۰۰۰ دلار نمی‌دهد تا بتوانند در خانه سالمندان بمانند. این به آنها نیروی می‌دهد که واقعاً بتوانند به زنده ماندن ادامه دهند.

و من پیشنهاد می‌کنم وقتی عیسی در حضورش برخی از افراد نسبتاً ریاکار را به چالش می‌کشد، و می‌گوید، شما آنجا نشست‌اید و می‌گویید، من می‌خواهم همه این چیزها را به معبد بدهم، قربان، او می‌گوید. و شما والدین خود را نادیده می‌گیرید. بروید و آن را در مرقس فصل هفتم جستجو کنید.

فکر می‌کنم او به آن فرمان خاص و پیامدهای آن فرمان اشاره می‌کند. او در عوض می‌گوید، شما باید به والدینتان کمک مالی کنید. بسیار خوب، و می‌توانید خیلی سریع از اینجا به بعد را ادامه دهید.

باز هم، کلمه عبری اینجا «کشته شده» نیست. یک کلمه عبری دیگر برای کشتن وجود دارد. این یکی «تو نباید قتل کنی» است.

این کلمه متفاوتی است. بنابراین، انواع مسائل جالب را در رابطه با دو کلمه داغ، یعنی مجازات اعدام و جنگ، مطرح می‌کند. اما فقط به خاطر داشته باشید که کلمه اینجا این است که نباید بکشی.

ببخشید، تو نباید قتل کنی، من درست متوجه نشدم. که به معنای گرفتن عمدی و آگاهانه جان انسان و در نتیجه محو کردن شخصی خاص است که تصویر خدا را دارد. البته، این ما را به سفر پیدایش، باب نهم، برمی‌گرداند.

آیا به یاد دارید که خداوند پس از طوفان نوح فرمود، کسی که خون انسان‌ها را بریزد، توسط انسان‌ها ریخته خواهد شد، زیرا آن شخص تصویر خدا را دارد.

مورد بعدی زنا است. تخلفی علیه پیمان ازدواج. و همانطور که حدود 20 دقیقه پیش گفتم، این مهم است زیرا بازتابی است. پیمان ازدواج ما بازتابی از پیمان خدا با قومش است. بنابراین، دوباره، در اینجا چند نکته جالب وجود دارد.

دزدی، خب، به جورایی به جمله‌ی کلی هست. خیلی ساده می‌گه دزدی نکن. این موضوع رو باید در جای دیگه‌ای بررسی کرد، اما نکته‌ی جالب اینجاست.

اگر کسی آدم می‌دزدید، مثلاً آدم‌ربایی می‌کرد، آن هم مجازات اعدام داشت. ضمناً، قتل مجازات اعدام داشت زنا مجازات اعدام داشت. اگر شخصی را می‌دزدیدید، دوباره، آن شخص را می‌گرفتید و او را از توانایی‌اش برای داشتن تصویر خدا محروم می‌کردید، مجازات اعدام در انتظارتان بود.

و البته، همانطور که خواهیم دید، انواع دیگر دزدی، مجازات‌های دیگری هم داشت. شهادت دروغ. خب، اینجا به وضوح شهادت دروغ است.

اما به شما پیشنهاد می‌کنم که این اعلامیه، که بدون شک به دادگاه‌ها مربوط می‌شود، به سیستم دادگاه مربوط می‌شود. اما احتمالاً نمایانگر دروغگویی به طور کلی است. زیرا وقتی به بقیه کتاب مقدس نگاه می‌کنیم، دروغگویی در صدر چیزهایی است که خدا کاملاً منفور می‌داند.

کاملاً منفور. در کتاب امثال، بارها و بارها، علیه دروغگویی هشدار داده شده است. افرادی که در کتاب مکاشفه دروغ می‌گویند کجا می‌روند؟ دریاچه آتش.

دروغ گفتن هم کاملاً نکوهیده است. و در نهایت، ریشه بسیاری از این چیزهای دیگر طمع است. نباید آرزو کرد.

میلی شدید که ما را وادار می‌کند به چیزهایی که متعلق به ما نیستند چنگ بزنیم و چنگ بزنیم. طمع نورز. خب، ده دقیقه از ده گذشته، این بخش آخر را کمی سریع انجام داده‌ایم.

اما وقتشه که تمومش کنیم. شب‌ات شالوم. دوشنبه می‌بینمت.